

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

کاری از نشر نگاه معاصر

ادیان

دانشنامه‌ی آیین بودا

ع. پاشایی



دانشنامه‌ی آیین بودا

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

آرایش کتاب: نوید مختاری آسکی

عکس روی جلد: نسترن پاشایی

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: نادر

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۹

شمارگان: ۶۶۰

قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۸-۶۸-۳

پاشایی، عسکری، ۱۳۱۸-	:	سرشناسه
دانشنامه آیین بودا/ع. پاشایی.	:	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹.	:	مشخصات نشر
ص. ۴۰۸.	:	مشخصات ظاهری
فیبا	:	وضعیت فهرست نویسی
۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۸-۶۸-۳	:	شابک
ص.ع. به انگلیسی: A.Pashai, Encyclopedia OF Buddhism.	:	یادداشت
کتابنامه: ص. [۴۰۳]-۴۰۶.	:	یادداشت
بودیسم -- دایره المعارف ها	:	موضوع
Buddhism -- Encyclopedias	:	موضوع
Encyclopedia of Buddhism. عنوان اصلی:	:	یادداشت
BQ1۲۸	:	رده بندی کنگره
۲۹۴/۲۰۳	:	رده بندی دیویی
۷۳۰۰۸۲۸	:	شماره کتابشناسی ملی

دانشنامه‌ی آیین بودا

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

ع. پاشایی

فهرست مطالب



۵.....	فهرست تصاویر.....
۷.....	کوتاه نوشت ها.....
۹.....	پیشگفتار.....
۱۰.....	آوانویسی نام ها و واژگان.....
۱۲.....	سپاسگزاری.....
۱۳.....	گاهشماری تاریخ بودایی.....
۱۹.....	مقدمه: نگاهی به شاخه های اصلی آیین بودا.....
۳۷.....	فهرست الفبایی مدخل های دانشنامه.....
۴۱.....	دانشنامه ی آیین بودا از آ- الف تا ی.....
۴۰۳.....	منابع.....

فهرست تصاویر



۱. بودای تاجدار. اَجَنَتا، هند، غارا، حدود ۶۰۰..... ۴۹
۲. استوپه‌ی سانچی. قرن سوم ق م، ایالت مدیه پرادیش، هند..... ۵۰
۳. شیران آشوکا. سرنات، هند، قرن سوم ق م..... ۵۸
۴. آمیتابه. سنگی، بوروبودور، جاوه، قرن هشتم..... ۶۹
۵. نقش لوکیشوزه. انگ کور، کامبوج، اواخر قرن دوازدهم..... ۷۲
۶. منده‌ی آدی بودا. نقاشی روی پارچه، تبت، قرن نوزدهم..... ۷۹
۷. بودای آموزنده. سنگی، بوروبودور، جاوه، ح ۹۰۰..... ۸۶
۸. تولد بودا. مفرغ زراندود، ژاپن، قرن هفتم..... ۸۷
۹. تولد بودا. مفرغ، نالندا، هند، قرن دهم..... ۸۷
۱۰. بوداسف..... ۹۴
۱۱. میروکو بوساتسو (بوداسف مَیتریه). چوب کاج، کوریوجی، کیوتو، ژاپن اواخر قرن هفتم..... ۹۵
۱۲. بودگیا..... ۱۰۵
۱۳. بوداسف همراه آمیدا. چوب رنگشده، بیودونین - اوجی، ژاپن ۱۰۵۳..... ۱۱۱
۱۴. پاگودای معبد فوگونگ. ۱۰۵۶، سلسله‌ی سونگ، یانگ شیان، استان شنسی، چین..... ۱۱۷
۱۵. پرگیاپازمیتا..... ۱۲۳
۱۶. پیکره‌ی شاکا نیورایی. مفرغ، ژاپن، قرن هشتم..... ۱۳۱
۱۷. چرخِ دَرَمه..... ۱۶۷
۱۸. دای بۆتسۆی کاماکورا. مفرغ، قد ۱۵ متر، ژاپن ۱۲۵۲..... ۲۲۸
۱۹. سۆگیۆ هاچیمان. چوب رنگ شده، هاچیمان - جینجا، تسورۆگانوکا، ژاپن، قرن هفدهم..... ۲۶۲
۲۰. ویروچنه بودا. سنگی، کره، قرن نهم..... ۲۸۷
۲۱. نمای چشم پرند قلمرو کوه سۆمه‌رؤ..... ۲۹۳
۲۲. بۆمی اسپرَشه مۇدرا. کنده کاری تبتی..... ۳۰۴
۲۳. دو منده‌ی تای‌زؤ- کایى و کونگؤ- کایى. نقاشی روی ابریشم، تۆ-جى، کیوتو، ژاپن، قرن نهم..... ۳۰۵

۲۴. نقش قدم بودا. پگُو، برمه، قرن دوازدهم..... ۳۱۹
۲۵. زنگ و وَجره. رمزهای خاص فهم، مفرغ، تبت..... ۳۳۴
- A: زنگِ استوپه B: زنگ چیتامنی. C: وَجره گنتای سه شاخه D: وَجره گنتای تک شاخه..... ۳۳۴
۲۶. بودای آموزنده. گندازه، هند، قرن پنجم..... ۳۵۲
۲۷. بودای بزرگ مَتُورا. هند، قرن پنجم، موزه ملی دهلی..... ۳۵۷
۲۸. بودای بزرگِ غارهای یُونگانگ. چین، قرن ششم..... ۳۶۵
۲۹. شری ینتره. مرکب از نه مثلث که در مرکز دایره، بیندُو، به هم میرسند..... ۳۹۷

کوته‌نوشت‌ها



انگلیسی	انگ.
پالی	پا.
پادشاهی	پاد.
تبتی	تب.
چینی	چی.
ژاپنی	ژا.
در حدود	ح.
سغدی	سغ.
سنسکریت	سن.
شکوفایی	شکو.
فارسی	فا.
فوت	فتد.
مقایسه کنید با	قس.
یونانی	یو.

AN	Anguttaranikāya, PTS edition
AK	Abhidharmakośa (of Vasubandhu), ed. by R. Sān-kṛtyāyana, Vārāṇasi
Bca	Bodhicaryāvatāra (of Śāntideva), ed. and transl. into Hindi by Śāntibhikṣuśāstri, Lucknow 1955
BSTBL	The Buddhist Sogdian Texts of The British Library ed. D. N. Mackenzie, 1976.
BTI	Buddhist Thought in India, by Edward Conze, 1962.
C.PH.B.	The Central Philosophy of Buddhism, by T.R.V. Murti. London: George Allen and Unwin., 1968.
DN	Dighanikāya, PTS edition
Enc. Bu.	Encyclopaedia of Buddhism, by Malasekera. Sri Lanka 1961- 71
LS	Lankāvatāra-Sutra, ed. By B. Nanjio, <i>Bibliotheca Otaniensis, Kyot to 1956</i>
LSsag	Sagāthakam (= appendix in verses) to the LS
MN	Majjhimanikāya, PTS edition
Mś	Madhyamakāśāstra (of Nāgārjuna with Candrakīrti's commentary), ed. by P. L. Vaidya, <i>Buddhist Sanskrit Texts, vol. 10, Darbhanga 1960.</i>
p. page	
Śs	Śikṣāsamuccaya (of Śāntideva), ed. by P. L. Vaidya, <i>Buddhist Sanskrit Texts, vol. II, Darbhanga 1961</i>

پیشگفتار



۶. مکان‌های مقدس
۷. معماری و هنر بودایی

چگونه از این دانشنامه استفاده کنیم

در این دانشنامه ۱۲۸ مدخل، براساس الفبای فارسی، می‌بینید.^۱ از آن‌جا که این کتاب‌ها به شکل ebook هم منتشر خواهند شد مشکل «نمایه» به نوعی حل می‌شود. سوای منابع که در آخر کتاب آمده، در آخر خیلی از مدخل‌ها منبع آن‌ها هم ذکر شده است.

شیوه‌ی ارجاع در این دانشنامه به این صورت است که در متن مدخل، اصطلاح یا نامی که بعد از « می‌آید مدخل ارجاعی است. مثلاً در مدخل آبی درمه، مکتب‌ها، آمده (...) آبی درمه کوشه‌ی « و سؤبندو است که بسیاری از بودائیان... » و یا به صورت « در انتهای برخی مدخل‌ها، مثلاً در پایان مدخل آبی درمه کوشه می‌خوانید: « آبی درمه، مکتب‌های آبی درمه، سئوترانیکه، سراسستی‌واده، و سؤبندو.

یادآوری این نکته ضروری است که کمابیش تعاریف همه‌ی اصطلاحاتی را که در متن مدخل‌های دانشنامه آمده‌اند — چه با حروف سیاه چه معمولی — در فرهنگ آیین بودا خواهید یافت.

اولین نوشته‌ام در زمینه‌ی مطالعات بودایی ترجمه‌ی بود از ر. ک. مؤکرجی، به نام «زندگانی بودا» که در اردیبهشت ۱۳۳۹ در مجله‌ی هند نو چاپ شد. در برگردان آن مقاله ناگزیر شده بودم که ده‌ها نام و اصطلاح بودایی را، از منابع گوناگون، در زیرنویس‌ها توضیح دهم. همین‌طور در مقاله‌های دیگرم در آن نشریه، که تا ۱۳۴۱ ادامه داشت.

از آغاز سال ۱۳۹۰ به‌طور همزمان شروع کردم دو منبع ارجاعی در زمینه‌ی مطالعات بودایی فراهم آورم، یکی به نام فرهنگ آیین بودا، و دیگری دانشنامه‌ی آیین بودا. طرح کارم این بود که هر یک از این دو کتاب بیش از یک جلد نباشد، و در عین حال برآورنده‌ی نیازهای خواننده‌ی فارسی کتاب‌های بودایی باشد.

حجم هر مدخلی، در هر دو کتاب، به اهمیت آن مدخل در مطالعات بودایی مربوط است، و تلاش من این بوده که مجموع مدخل‌ها این مباحث را دربر گیرد:

۱. تاریخ بودایی در فرهنگ‌های آسیایی
۲. سنت‌ها و مکتب‌های مهم هر شاخه‌ی آیین بودا
۳. اعلام اشخاص مهم تأثیرگذار
۴. مفاهیم و اندیشه‌های کلیدی بودایی
۵. کتاب‌ها و متن‌های مقدس بودایی

۱. در اصل حجمی در حدود ۱۵۰ مدخل داشت، اما وقت چاپ ۲۲ مدخل آن را حذف کرده‌ام، و همین‌طور فهرست موضوعی و نمایه را، علتنش کاستن از حجم کتاب بود به خاطر گرانی بیش از حد کاغذ و افزایش بیش از حد هزینه‌های دیگر ناشی از کورونا.

آوانویسی نام‌ها و واژگان



یا به اصطلاح حروف با صدا و بی صدا، گذاشته می‌شود. البته من در نوشتن نام‌ها و اصطلاحات سنسکریت به فارسی به خویشی این دو زبان هم توجه داشته‌ام. حروفی در سنسکریت و پالی هست که با دو حرف لاتین نوشته می‌شود: bh, gh, Jh, kh, th و مانند این‌ها، که در حقیقت یک حرف است نه دو حرف. مثلاً Buddha، که در گذشته آن را بُدّه هم نوشته‌اند و ما امروزه بودا می‌نویسیم، بُدّه خوانده می‌شود نه بُدّهه. dh و مانند این، نباید آن را با حرف h، ه، اشتباه کرد مثلاً ahimsā: آهِمسا حرف مستقل نیست. در واژگان مشترک سنسکریت و فارسی که چنین حروفی در آن‌ها آمده، غالباً در فارسی آن‌ها به حروف دیگری تبدیل شده‌اند، مثلاً گاهی kh به خ، khara: خَر، و gh به غ، megha: میغ (ابر)، و مانند این‌ها. تمام a در آخر کلمات سنسکریت و پالی در فارسی با های غیر ملفوظ یا «های بیان فته» نوشته می‌شود: kāma: کامه (کام)، nāma: نامَه (نام)، mandala: مَنَدَلَه (مَنَدل)، cakra: چَکرَه، (چرخ)، mantra: مَنترَه (مَنتر)، karma: کَرَمَه، nirvāna: نیرَوانه، و مانند این‌ها.

آیین بودا در طول تاریخ بلندش به همه‌ی بخش‌های آسیا رفته است، که یک نتیجه‌اش این بوده است که مفاهیم بودایی با زبان‌هایی چون سنسکریت، پالی، چینی، تبتی، ژاپنی، مغولی، کره‌یی، تای (تایلندی)، ویتنامی... و در زبان‌های ایرانی سُغدی و خُتّی گفته شده است. بگذریم از واژگانی چون بُت، فرخار، و بهار... در فارسی. غرض از این کتاب منعکس کردن کثرت فرهنگی آیین بودا است. از این رو اصطلاحاتی از همه‌ی زبان‌های مهم بودایی در آن آمده است. بیشتر این اصطلاحات از سنسکریت آمده که زبان دینی مشترک بوداییان سرزمین‌های پیشگفته بوده است. از سوی دیگر، مهم‌ترین آثار آیین بودای مَهایانه به زبانی معروف به سنسکریت دورگه‌ی بودایی، یا زبان ناسره‌ی بودایی نوشته شده‌اند، در حالی که کهن‌ترین کتاب‌های بودایی به زبان پالی نوشته شده‌اند، که زبانی است برگرفته از سنسکریت.

سنسکریت و پالی

یکی از ویژگی‌های زبان‌های آسیایی، مثل سنسکریت، این است که شمار الفبای آن بیش‌تر از الفبای فارسی است. از این‌رو، ناگزیر به حروف فارسی باید حرکات زیر و زیر اضافه کرد. این‌ها نشانه‌هایی مثل نقطه، تیره، و اعراب است که بالا یا زیر واکه‌ها و برخی همخوان‌ها،

آوانوشت سنسکریت و پالی

ā	آ
a	ا
ī	ای کشیده

کشیده خوانده می‌شوند، که طبعاً ضروری نیست که در متن فارسی هم کشیده خوانده شود.	ری ð
اصطلاحات چینی بنا به سیستم وید-جایلز، یا پین‌یین خوانده و نوشته می‌شود. ^۱	ñ ن + ی، که خیشومی یا غنهی است. اما
آوانوشت اصطلاحات تبتی و کره‌یی مشکل‌ساز است، البته تبتی بیش‌تر، چندان که می‌توان گفت ضبط دقیق آن‌ها به فارسی ناممکن به نظر می‌رسد.	اصطلاحی چون prajñā (پَرَجْنیا) را همیشه پَرْگیا می‌نویسیم، که در گذشته هم چنین نوشته‌اند و هم بیش‌تر به این شکل خوانده می‌شوند.
من بارها این اصطلاحات را گوش کرده‌ام، اما نتوانسته‌ام فارسی‌نوشت دقیقی برای آن‌ها پیدا کنم.	š، ś ش
در کره‌یی دو واکه ō و ǔ، اولی شبیه آی وسط، کمابیش مثل آدر صاد، و دومی ای کشیده است:،	m، ñ م خیشومی یا غنهی
Sŏn: سان (=ذن).	c چ
	o و، نو
	u وُ، او
	ū وُ، او ی کشیده
	در ژاپنی دو حرف ū، ō (وُ، وُ) را داریم که هر دو

۱. ◀ تاریخ فلسفه‌ی چین، چو جای و وینبرگ جای، ترجمه ع. پاشایی، تهران. نگاه معاصر، ص ۲۷۵-۸۵.

سپاسگزاری

سپاسگزارم از دو بانوی زبان‌شناس گرانمایه دکتر زهره زرشناس به خاطر مدخل سغدی، متن‌های بودایی، و دکتر مهشید میرفخرایی به خاطر مدخل ختن، آیین بودا در. این دو زبان ایرانی میزبان مهم آیین بودا بوده‌اند، و در گسترش این آیین در سراسر آسیای مرکزی نقش مهمی داشته‌اند.

از دوست دیرینم فریبرز مجیدی، مترجم توانا، سپاسگزارم که با دقت کم‌نظیرش مدخل‌هایی از بخش هنر بودایی را برای این کتاب به فارسی برگردانده است.

از علی‌رضا شجاعی سپاسگزارم که در معرفی چندین کتاب مهم بودایی با من همکاری کرده است. از معصومه ارمغان به خاطر حروفچینی دقیق و ظریف تمام متن و از نوید مختاری آسکی به خاطر صفحه‌آرایی خوش‌نقش و دقیق این دانشنامه و صبورش در این کار سپاسگزارم.

از آقای اکبر قنبری، ناشر نگاه معاصر، سپاسگزارم که در این مشکل گرانی کاغذ از یک سو و کوروناهراسی جامعه از سوی دیگر، به چاپ این کتاب و فرهنگ آیین بودا همت کرده است.

ع.پاشایی

تهران مهر ۱۳۹۹

گاهشماری تاریخ بودایی



پیش از قرن ششم قم

دوره‌ی ودایی در هند (۱۵۰۰-۱۰۰۰)

نوشته شدن براهمنه‌ها (۱۰۰۰-۸۰۰)

نوشته شدن اَوپه‌نیشدهای آغازین (۸۰۰-۵۰۰)

قرن سوم قم

پادشاهی آشوکا شاه هندی (۲۷۲-۲۳۱)

شورای سوم بودایی در پاتلی پوتره (۲۵۰)

مَهینده، رسول آشوکا، آیین بودا را به سری لانکا معرفی می‌کند. (۲۴۷)

قرن ششم قم

زندگی لانوزِه (۵۰۰)

زندگی کُنْفُوسیوس (۵۵۲-۴۷۹)

قرن دوم قم

شروع آیین بودای مَهایانه (۲۰۰)

شروع نوشته شدن سوْتِره‌های پَرگیاپازمیتا

ساخت استوپه در سانچی (۲۰۰-۰۰۰)

آن‌شی‌گانو به چین می‌رسد و اولین هیأت ترجمه را تأسیس می‌کند. (۱۴۸)

قرن پنجم قم

زندگی بودا شاکیه‌مونی (۴۸۵-۴۰۵)

پادشاهی بیمبی ساره (۴۶۵-۴۱۳)

شورای راجه‌گَهه (۴۰۵)

قرن اول قم

پادشاهی دَوْتَه‌گامنی آبیّه در سری لانکا (۱۰۱-۷۷)

دیر آبیّه‌گیری در سری لانکا بنیاد گذاشته شد.

(۱۰۰)

کانون / قانون پالی در سری لانکا مکتوب شد. (۲۹-۱۷)

قرن چهارم قم

اسکندر مقدونی در هند (۳۲۷-۳۲۵)

پادشاهی چَندِرَه‌گوپته مَنُوریه (۳۲۲-۲۹۸)

مگاستنیس در دربار چَندِرَه‌گوپته (۳۰۳)

شورای دوم بودایی در ویشالی (۳۰۵)

شورای اول پاتلی پوتره (۲۸۴)

شروع فرقه‌گرایی بودایی

قرن اول میلادی

پادشاهی کَنیشکه در هند

چهارمین شورای بودایی در کشمیر (۱۰۰)

نوشته شدن سوره‌ی نیلوفر و متن‌های دیگر بودایی

آیین بودا وارد آسیای مرکزی و چین می‌شود.

دودمان سویی در تاریخ چین (۵۸۹-۶۱۷)؛

قرن دوم میلادی

زندگی ناگار جونه فیلسوف بودایی

شروع عصر طلایی آیین بودای چینی

تحول تیآن‌تایی، هوآین، پاکبوم، و چن آیین بودای چینی

زندگی جی‌یی (۵۳۸-۹۷)

آیین بودا از کره وارد ژاپن می‌شود. (۵۵۲)

شاهزاده شوتوکو حامی آیین بودا در ژاپن می‌شود.

قرن سوم میلادی

گسترش آیین بودا در برمه، کامبوج، لانوس، ویتنام و

(۵۷۲-۶۲۱)

آیین بودا در اندونزی شکوفا می‌شود.

اندونزی

قرن چهارم میلادی

زندگی آسنگه و سوبندو فیلسوفان بودایی هندی؛ تحول

آیین بودای و جریانه در هند

برای اولین بار آیین بودا در تبت منتشر می‌شود. (ح ۶۰۰)

زندگی درمه‌کیرتی؛ شکوفایی منطق و شناخت‌شناسی

(ح ۶۰۰)

ترجمه‌ی متن‌های بودایی به چینی، کار کوماره‌جیوه

(۳۴۴-۴۱۳)، هوئی‌یوان (۳۳۴-۴۱۶)، و دیگران.

دودمان تانگ در تاریخ چین (۶۱۸-۹۰۷)

زندگی وان‌هیو (۶۱۷-۸۶)؛ بنیادگذاری «آیین بودای

شهودی» در کره

دودمان گوپته در هند، فلسفه و هنر بودایی شکوفا می‌شود.

(۳۵۰-۶۵۰)

زندگی سونگ‌تسن گمپو (۶۱۸-۵۰)؛ تأسیس آیین بودا

آیین بودا وارد کره می‌شود. (در ۳۷۲)

در تبت

قرن پنجم میلادی

دانشگاه نالندا در هند بنیاد گذاشته شد.

زندگی اینسانگ؛ معرفی هواآم (هوالین) به کره

(۶۲۵-۷۰۲)

شیوان‌زانگ، زائر چینی، از هند دیدن می‌کند. (۶۲۹-۴۵)

زندگی هوئی‌زنگ (۶۳۸-۷۱۳)؛ جدال مکتب‌های

شمالی و جنوبی

زندگی فیلسوف بودایی بوئه‌گوشه در سری لانکا (ح

۴۰۰-۵۰۰)

زائر چینی فاشیان از هند دیدن می‌کند. (۳۹۹-۴۱۴)

قرن ششم میلادی

زندگی پرمارته (۴۹۹-۵۹۹)

دوره‌ی شیلائی متحد در کره (۶۶۸-۹۱۸)؛ آیین بودا

شکوفا می‌شود.

بودی‌درمه از هند وارد چین می‌شود. (ح ۵۲۰)

بی جینگ، زائر چینی، به هند سفر می‌کند. (۹۵-۶۷۱)

آزار بزرگ بوداییان در چین (۸۴۵)

قرن هشتم میلادی

زندگی پدمه سم پوه (ح ۷۰۰)

قرن دهم میلادی

دودمان سونگ در چین (۱۲۷۹-۹۶۰)

جدال مکتب‌های شمالی - جنوبی در ژاپن (ح ۷۰۰)

دوره‌ی کوریا در کره (۱۳۹۲-۹۷۸)

مکتب خاص فهم یا باطنی (چنین زونگ) در چین تحول

اولین چاپ کامل کانون بودایی چینی (ویرایش

پیدا می‌کند. (ح ۷۰۰)

سزه چوان) در ۹۸۳

ساخت بورو بودور (ح ۷۰۰-۸۰۰)

آتیشه (۹۸۲-۱۰۵۴) از هند به تبت می‌رسد. (۱۰۴۲)

آیین بودای مهاییانه و آیین بودای تنتریک در هند شکوفا

می‌شوند (۷۰۰-۱۱۰۰)؛ تحکیم مکتب منطق و

قرن یازدهم میلادی

شناخت‌شناسی

زندگی مَر پَه (۹۷-۱۰۱۲) و خاستگاه‌های مکتب کیه گیوی

دوره‌ی نارا در تاریخ ژاپن (۸۴-۷۱۰)

آیین بودای تبتی

مکتب‌های آکادمیک (جو جیتسو، کوشا، سانرون،

زندگی ناروپه (۱۰۱۶-۱۱۰۰)

هوسو، ریتسو، و کیه گون) در ژاپن زیاد می‌شوند.

آن اوز هتا برمه را متحد کرده با آیین بودای تیره‌واده بیعت

مناظره بزرگ میان مکتب‌های بودایی چینی و تبتی

می‌کند. (۷۷-۱۰۴۰)

شورای لہاسا در تبت (۷۴۲)

زندگی میله رپه (۱۰۴۰-۱۱۲۳)؛ بزرگ‌ترین شاعر و

مکتب نی اینگ مه پهی آیین بودای تبتی شروع می‌شود.

محبوب‌ترین قدیس آیین بودای تبتی می‌شود.

اولین دیر تبتی در سَم پِه

زندگی ائیچون (۱۱۰۵-۱۱۰۱)

زندگی سای چو (۸۲۲-۷۶۷)؛ بنیادگذاری مکتب تن دایی

فرقه‌ی ساکیه‌ی آیین بودای تبتی شروع می‌شود. (۱۰۷۳)

زندگی کوکایی (۸۳۵-۷۷۴)؛ بنیادگذاری مکتب

زندگی گمپوپه (۱۰۷۹-۱۱۵۳)

شین گون

نوزایی آیین بودای تیره‌واده در سری لانکا و برمه

دوره‌ی هی آن در تاریخ ژاپن (۱۱۸۵-۷۹۴)

زوال آیین بودا در هند

قرن نهم میلادی

بنیادگذاری دیر ویکرمه شیله در تبت (ح ۸۰۰)

قرن دوازدهم میلادی

ساخت انگکور وات (ح ۱۱۰۰)

پادشاهی لانگ درمه (۸۳۶-۴۲) و سرکوب آیین بودا

آیین بودای تیره‌واده در برمه پا می‌گیرد.

در تبت

زندگی هوین (۱۱۳۲-۱۲۱۲)؛ هوین جودو شورا در ژاپن

بنیاد می‌گذارد.

در تبت بنیاد گذاشت.

زندگی ای‌سای (۱۱۴۱-۱۲۱۵): مکتب رین‌زایی ذن

آیین بودای تیره‌واده دین دولتی تایلند اعلام شد (۱۳۶۰)

آیین بودای ژاپنی را بنیاد می‌گذارد.

دودمان مینگ در چین (۱۳۶۸-۱۶۴۴)

زندگی چی‌نؤل (۱۱۵۳-۱۲۱۰): فرقه‌ی چوگیکه بنیاد

دوره‌ی چوسان در کره؛ آیین بودا سرکوب شد.

گذاشته شد؛ تحول سان در کره

لائوس و کامبوج تیره‌واده می‌شوند.

زندگی شین‌ران (۱۱۷۳-۱۲۶۲): جودو شین‌شو را در

ژاپن بنیاد می‌گذارد.

قرن پانزدهم میلادی

دانشگاه نالندا را محمود غوری تاراج می‌کند. دوره‌ی

کن‌جور تبتی در چین چاپ شد.

کاماکورا در ژاپن (۱۱۸۵-۱۳۹۲)

قرن شانزدهم میلادی

قرن سیزدهم میلادی

منصب دالایی لاما را مغول‌ها بنا نهادند.

آیین بودا از شمال هند ناپدید می‌شود. ردی از آن در

جنوب می‌ماند. (ح ۱۲۰۰)

قرن هفدهم میلادی

زندگی دالایی دالامای پنجم و شروع فرمانروایی بر تبت

چاپ تری‌پیتکه‌ی کره‌آنا (ح ۱۲۰۰)

از سوی دالایی لاماها

زندگی دوگن (۱۲۰۰-۵۳). او مکتب سوتوی ذن را بنیاد

کنترل آیین بودای ژاپنی از سوی شوگون‌سالاری توکوگاوا

می‌گذارد.

(۱۶۰۳-۱۸۶۷)

زندگی نیچی‌رن (۱۲۲۲-۸۲)، مکتب آیین بودای ژاپنی را

زندگی باشو؛ تأثیر آیین بودا در هایکؤ و هنرهای ژاپن

به نام مکتب نیچی‌رن بنیاد می‌گذارد.

زندگی اپتن (۱۲۳۹-۸۹): بنیادگذاری مکتب جی‌شو

قرن هجدهم میلادی

ساکیه‌پاندیته مغول‌ها را به آیین بودا می‌گرواند (۱۲۴۴)

اشغال استعماری سری لانکا، برمه، لائوس، کامبوج و

تیره‌واده دین دولتی قلمرو سوکوتای (تایلند) اعلام

ویتنام؛ سلطه‌ی غرب بر آسیای جنوبی و جنوب خاوری.

می‌شود. (ح ۱۲۶۰)

کانون بودایی از تبتی به مغولی ترجمه شد. (۱۷۴۹)

زندگی بوتون (۱۲۹۰-۱۳۶۴): او کانون بودایی تبتی را

گردآوری می‌کند.

قرن نوزدهم میلادی

قرن چهاردهم میلادی

شروع مطالعات آکادمیک آیین بودا از سوی دانشمندان

غربی (ح ۱۸۰۰)

زندگی تسونگ‌کپه (۱۳۵۷-۱۴۱۹): فرقه‌ی گه‌لوک‌په را

- انجمن سلطنتى آسيائى بنياد گذاشته شد. (۱۸۲۳)
- پادشاهى راماي چهارم در تایلند؛ اصلاحات سنگه‌ي تاي (۱۸۵۱-۶۸)
- اولين معبد بودايى در ايالات متحد، در سانفرانسیسکو بنياد گذاشته شد. (۱۸۵۳)
- بازگشت مي‌جى در تاريخ ژاپن (۱۸۶۸)، پايان فرمانروايى نظامى را مشخص مي‌کند.
- زندگى نيشيدا کيتارو، بنيادگذار مکتب کيوتو (۱۸۷۰-۱۹۴۵)
- دين‌هاى نوکم‌کم در آيين بوداي ژاپنى شروع مي‌شوند.
- پنجمين شوراي بزرگ بودايى در مندلي
- انجمن تتوسوفى بنياد گذاشته شد. (۱۸۷۵)
- نشر فروغ آسيائى سير ادوين آرنولد (۱۸۷۹)
- انجمن متن پالي را ت. و. ريس ديويديز در انگلستان بنياد گذاشت. (۱۸۸۱)
- انجمن مهابودى را انگاريکه درمه‌پاله بنياد گذاشت. (۱۸۹۱) (به نقل از پريش)

مقدمه

نگاهی به شاخه‌های اصلی آیین بودا



بنا به سنت، سه نظام تحول یافته‌اند تا آن واگرایی را که در تاریخ طولانی آیین بودا روی داده توضیح دهند. اولی به دو گردونه (گاهی سه گردونه) معروف است و در درجه‌ی اول مبتنی است بر تفاوت‌های فلسفی. دومی آیین بودا را در داخل آیین بودای هندی به سه جنبش از نظر تاریخی پیایی گسترده تقسیم می‌کند — آغازین، آبی‌درمه (فرقه‌گرا)، و مهاییانه. سومی روی گسترش جغرافیایی آیین بودا بعد رفتن آن از هند متمرکز است — یعنی آیین بودای جنوبی و آیین بودای شمالی.

آیین بودای ژاپنی استفاده‌ی پهنآوری از دو طبقه‌بندی دیگر کرده است، که مبتنی‌اند یا بر این که آموزه‌ها عام‌فهم باشند یا خاص‌فهم، و یا رستگاری به «نیروی خود» شخص (جریکی) متکی باشد یا به نیروی دیگر (تد-ریکی). کوکایی (۷۷۴-۸۳۵)، بنیادگذار فرقه‌ی شین‌گون (کلمه‌ی حقیقی) در ژاپن، اولی را رواج داد، و دومی را هم آیین بودای پاکبوم شین‌ران (۱۱۷۳-۱۲۶۲) و دیگران. پیروان آموزه‌های خاص‌فهم، یا باطنی، معتقدند که امکان ندارد معنای حقیقی آیین بودا را با کلمات بیان کرد، این یافت سَرّی بودا است. آنی را که نتوان بیان کرد خاص‌فهم، «پنهان»، «سَرّ» یا «محبوب» می‌خوانند و آنی را که بشود بیان کرد «آشکارشده» یا «مکشوف» می‌نامند. آیین بودای پاکبوم تعلیم می‌دهد که دوباره زاییده شدن

آیین بودا اشاره است به آموزه‌های بودای تاریخی، و در معنای وسیع‌تر، به دینی که او بنیاد گذاشت. بودا، یعنی بیدار و روشنی‌یافته، عنوانی است برای کسی که او حقیقت کلی را دریافته، به آن روشن و بیدار شده است. بودای تاریخی به عناوینی مثل شاکیه‌مونی (پا. ساکیه‌مونی)، در لغت به معنی فرزانه‌ی قبیله‌ی شاکیه (پا. ساکیه)، و بگوت (بگوتن)، یعنی سرور عالم یا خجسته خوانده می‌شود. لقب بگوت را می‌شود به هر بودا داد، اما شاکیه‌مونی به طور اخص به بنیادگذار تاریخی آیین بودا اطلاق می‌شود، که بنا به سنت تیره‌واده در حدود ۵۶۰ ق م در قلمرو شاکیه‌ها در هند شمالی متولد شد و در حدود ۴۵۰ ق م درگذشت. در آیین بودای پالی بودای تاریخی به نام طایفه‌اش گوتمه (سن. گوتمه) معروف است. ژاپنی‌ها او را شاکوسون، «شاکیه‌مونی سرور عالم»، می‌خوانند.

آیین بودا را می‌توان به دینی تعریف کرد که یافت بوداگی، یعنی رسیدن به مرتبه‌ی بودا شدن، را تعلیم می‌دهد. این یک تعریف مهاییانه است، مبتنی بر این نظریه‌ی مهاییانه که بودا شدن در فطرت همه‌ی جانداران هست، یا هر جاننداری بودای بالقوه است. این‌جا آیین بودا را آموزه‌یی می‌دانند که به راه کمال شخصی اشاره می‌کند یعنی از طریق درک بودای تاریخی آن به صورت وجود روشنی‌یافته‌ی کامل.

(ساوکه)، یا شنونده، شاگرد است و اصطلاح اشاره است به همه‌ی شاگردهای بلافصل شاکیه‌مونی.

هینه‌یانه و شرآوکه‌یانه هر دو اصطلاحات اهانت‌آمیزند و به این نحو هیچ‌وقت خود مکتب‌های غیر مهاییانه آن‌ها را به کار نمی‌برند. فرقه‌ی تیان‌تایی مهاییانه در چین نامی برای مکتب‌های غیر مهاییانه به کار می‌برد که کم‌تر تبعیض‌آمیز است، یعنی آموزه‌ی تری‌پیتکه یا پیتکه. تری‌پیتکه، در لغت به معنی سه سبد، اشاره است به کانون یا قانونی که آموزه‌های مکتب‌های پیشامهاییانه بر شالوده‌ی آن‌ها گذاشته شده‌اند.

تا قرن نوزدهم، دانشمندهای چینی و ژاپنی آیین بودای آغازین (پیشافرقه‌یی) و آیین بودای آبی‌دَرَمَه (فرقه‌یی) را در طبقه‌بندی هینه‌یانه قرار می‌دادند. اما، اگر بخواهیم درست‌تر بگوییم، هینه‌یانه را باید نامی دانست که فقط به مکتب‌هایی اطلاق می‌شود که به صورت نتیجه‌ی اندیشه‌های مدرسی آبی‌دَرَمَه تحول یافته‌اند، نه آیین بودای کهن‌ترین دوره.

مهاییانه — مهاییانه، که در لغت به معنی طریقت یا گردونه‌ی بزرگ، یا برتر، است دو مقصد بودایی را به هم می‌آمیزد، که یکی خودپروری یا به کمال رساندن خود است، و دیگری روشن‌شدگی دیگران است. در دیدگاه مهاییانه، این کافی نیست که خودمان به کمال (یعنی بوداگی) برسیم، و به این نحو فقط گلیم خودمان را از آب بیرون بکشیم، یا خودمان را از دور پرگار وجود و از چنبره‌ی سَنَساره، یعنی از چرخه‌ی زاد و مرگ‌ها، خلاص کنیم؛ این به چیزی نمی‌ارزد مگر آن که دیگران را هم به روشن‌شدگی و رهایی و رستگاری

در پاکبوم از طریق ایمان مطلق به خدای پاکبوم، آمیدا (آمیتابه، آمیتایوس) بودا، امکان‌پذیر است. این آموزه متکی به نیروی دیگری است. آموزه‌های فرقه‌های دیگر ژاپنی، که بر کمالِ خود از طریق مجاهده و پیشرفت فردی تأکید می‌کنند، به آموزه‌های متکی به خود معروفند.

دو گردونه و سه گردونه — اصطلاح «گردونه»
ترجمه‌ی یانه‌ی هندی است استعاره‌یی است برای آیین بودا، نشان‌دهنده‌ی «راه» یا وسیله‌یی است که مردم با آن از «این‌سو» یا از آن ساحل فریب و وِهم، به آن‌سو، یا به ساحل دیگر، یعنی روشن‌شدگی، می‌روند. طبقه‌بندی پایه‌یی شامل دو گردونه‌ی هینه‌یانه و مهاییانه است، اما طبقه‌بندی سه گردونه هم وجود دارد. در این مورد هینه‌یانه به شرآوکه‌یانه (گردونه‌ی شنوندگان) و پرتینکه‌بودایانه (گردونه‌ی بوداهای تکرو) تقسیم می‌شود و مهاییانه به بودی‌سَتَوَه‌یانه (گردونه‌ی بوداسف) یا بودایانه (گردونه‌ی بوداها).

هینه‌یانه — هینه‌یانه در لغت به معنی گردونه‌ی کوچک، یا پست، است و نامی است که مکتب‌های مهاییانه آن را برای اشاره به نقص‌هایی به کار برده‌اند که به گمان آن‌ها در پیشینیان‌شان بوده است. اساس انتقاد مهاییانی‌ها از هینه‌یانه این بود که هینه‌یانه فقط خیر و صلاح فرد را از طریق هدف خودپروری یا به کمال رساندن خود و آزاد شدن از بندهای وجود تأکید می‌کند. هینه‌یانه هم به شرآوکه‌یانه معروف است به خاطر این اندیشه‌ی آن که روشن‌شدگی می‌تواند فقط با شنیدن بی‌واسطه‌ی آموزه‌های بودا یافته شود. شرآوکه

به او نسبت داده می‌شود. یافت بوداگی او را نتیجه‌ی دوران‌ها (کَلَه‌ها) عملِ اندوخته به صورت یک بوداسف، یا طالب و مشتاق روشن‌شدگی می‌دانند، و همین عملِ اندوخته‌ی او بود که او را متمایز می‌کرد. برعکس، شاگردانش صرفاً آموزه‌های او را شنیده بودند و عمل‌شان در واکنش به آن آموزه‌ها بود.

از طرف دیگر، مهاییانه، می‌گفت همه‌ی جانداران سرشت بودا (بُودَه‌گوثرَه) دارند، که همان ظرفیت و قابلیت رسیدن به بوداگی است، و به این نحو همه مستعد آنند که اول از طریق آرزوی روشن‌شدگی بوداسف شوند. و بعد از راه آرزوی رسیدن به خود بوداگی از طریق سوگندهای بوداسف، بیداری خود، و عمل‌های گوناگون، از جمله شش کمال. به آن‌هایی که نمی‌توانند در زندگی کنونی به بوداگی برسند اطمینان داده می‌شود که زمانی در آینده، که شاید هم دوران‌ها به درازا بکشد، آن را خواهند یافت. خودبیداری، عزم، و جهد به مشتاقان و آرزومندان نیرو می‌دهد که در عمل‌شان پایداری کنند، و هیچ‌گاه در یافتنِ نهایی شک نکنند. این یقین و اعتماد برتر یک اختلاف بزرگ بین دو دیدگاه هینه‌یانه و مهاییانه است.

مفهوم «بوداسف» (بودی‌ستوه) در مهاییانه گسترش پیدا کرد که هر وجود (ستوه) آرزومند روشن‌شدگی (بودی) را شامل شود. به این ترتیب، بوداسف، که بعداً بودا خواهد شد، ره‌رو راه روشن‌شدگی است. شخص در نتیجه‌ی بیدار کردن آرزوی روشن‌شدگی (بودی چیتَه) در دلش و بستن چهار عهد یا چهار سوگند عام بوداسف، بوداسف می‌شود. نام بوداسف گویای این است که

هدایت کنیم. مهاییانی‌ها این دیدگاه نوع‌دوستانه را، که دیدگاه بوداسف است و راه بوداسف خوانده می‌شود، هسته‌ی اختلاف بین این دو گردونه می‌دانند. از آن‌جا که مهاییانه به این آرمان می‌چسبد به بودی‌ستوه‌یانه، یعنی گردونه‌ی بوداسف‌ها، و همین‌طور بوداییانه (بُودَه‌یانه)، یا گردونه‌ی بوداها معروف است.

جنبش مهاییانه، که در قرن اول، در حدود چهارصد سال بعد از درگذشت بودا، حمایت شد و پایگاه پیدا کرد، هدفش این بود که روح آموزه‌های شاکیه‌مونی را به دینی باز گرداند که در اثر صوری شدن و شکل خشک به خود گرفتنش دیگر از شکل آغازین آن جز پوستی باقی نمانده بود. آن فرایند در قرن چهارم قم، در حدود صد سال بعد از درگذشت شاکیه‌مونی، آغاز شد چون در اثر تفرقه جنبش بودایی شکاف برداشت و تقسیم شد و کم‌کم فلسفه بر عمل بودایی غالب شد. مهاییانی‌ها منتقد این فرقه‌گرایی حاصل از این تفرقه بودند، که به آیین بودای آبی‌درمه معروف شد.

نکات مورد اختلاف — مهاییانه شش محل بزرگ نزاع یا اختلاف بین خودش و هینه‌یانه را مشخص می‌کند. اولین محل اختلاف، آرمان پیرو و سالک بودایی بود. هینه‌یانه تعلیم می‌داد که برترین روشن‌شدگی برای یک شراوکه، رسیدن به مقام آرَهَت (انسان کامل) است. در نتیجه، در دوره‌ی آبی‌درمه، شاکیه‌مونی و خدا شده بود. می‌پنداشتند او از نظر تولد و شخصیت هر دو به مرتبه‌ی «فرانمودین» یا متعالی و فراخاکی تعلق دارد. سی و دو نشانه‌ی مرد بزرگ و هشتاد نشانه‌ی متمایز ثانوی و هجده درمه‌ی خاص

شخص در پی آن است که دیگران همه را، نه فقط خود را، به روشن‌شدگی برساند.

دوم، مه‌ایانه بر اهمیت عمل نودوستانه‌ی در این زندگی تأکید می‌کند، نه گریز و خلاصی از بندهای وجود که مطلوب هینه‌یانی‌ها است، که در درجه‌ی اول علاقه‌مند به مسأله کيفر گَرَمَه‌یی و رهایی از رنجی هستند که ذاتی وجود است. مقصد اَرَهَتِ هینه‌یانه رسیدن به رهایی از چرخه‌ی زاد و مرگ و رسیدن به حالت آرام آرماني نیروانه (پا. نیّانه) بود.

سنساره، یا «دور پرگار وجود»، را دوباره زاییده شدن و گاهی تناسخ ترجمه می‌کنند. در این چرخه، که بنیادش بر فریب و پندار است، کيفر گَرَمَه‌یی خوب و بد بر جانداران فرمان می‌راند. جانداران بسته به نوع گَرَمَه‌یی که در زندگی‌شان اندوخته‌اند، دوباره در یکی از شش راه وجود متولد خواهند شد. وقتی گَرَمَه‌ی شخص خوب باشد شاید به صورت انسان یا یک موجود آسمانی (دیوه) متولد شود، اما اگر بیش‌تر گَرَمَه‌اش بد، یا ناسالم باشد، در دوزخ یا به صورت ارواح گرسنه (پرِیته)، یا جانور یا اَسُوره (اَهَرِیمن) زاییده خواهد شد. آیین بودا این مفهوم را از اندیشه‌ی هندی پیشابودایی ارث برده است.

نیروانه، که ضدّ سنساره است، به معنی «آرامش» و خاموشی، یا حالتی است که در آن آلايش‌هایی که شخص را به سنساره می‌بندد خاموش شده یا از میان رفته‌اند. هینه‌یانه آن را شرط بالاترین روشن‌شدگی می‌دانست. عمل بوداسفِ مه‌ایانه نه رنجِ سنساره را نفی می‌کرد، و نه آرامش نیروانه را تنها مقصد خود قرار می‌داد، چون دلبستگی اصلی بوداسف این است که

دیگران را به روشن‌شدگی برساند حتّا اگر عمل خودش به کمال نرسیده باشد. این دلبستگی ذاتی اولین سوگند عام بوداسف است: «هر قدر هم جانداران بی‌شمار باشند عهد می‌کنم که آن‌ها را به رهایی برسانم.» بوداسف دل‌مشغول و نگران رنج یا آرامش و کيفر گَرَمَه‌یی یا دوباره زاییده شدن نیست. او یقیناً از رنج نمی‌پرهیزد، می‌بایست به آن‌هایی که درد می‌کشند و رنج می‌برند آسایش ببخشد، به اختیار خود مقصد و منزلگاه‌ها یا دوباره زاییده شدن ناخوشایند را می‌پذیرد که در رنج ساکنان آن‌ها شریک باشد. خلاصه، هدف اصلی مه‌ایانه به جا آوردن و وفا کردن به سوگند بوداسف است که می‌خواهد همه‌ی جانداران را به روشن‌شدگی برساند، نه این که فقط خودش به نیروانه برسد.

سوم، که متوجه‌ی این مقصد است، مه‌ایانی‌ها متوجه شدند که هینه‌یانه تأکید نا‌لازمی بر فواید شخصی عمل دارد؛ آن‌ها در واکنش به این کار، بر عمل نودوستانه تأکید می‌کردند. آن‌ها از این ناخشنود بودند که می‌دیدند نظریه‌ی بنیادی چهار حقیقت جلیل و راه هشتگانه‌ی جلیلِ هینه‌یانه انحصاراً روی خودپروری و رسیدن به کمال خود متمرکز شده است، پس مه‌ایانی‌ها نظریه‌ی نوی آوردند، که شش کمال (شَد پازمیتا) است، و این جوهر عمل بوداسف است. آن‌ها در این نظریه امکاناتی برای خدمت به دیگران گنجانده بودند که کمبود ظاهری روش عملی در راه هشتگانه را جبران می‌کرد. مفهوم نودوستانه‌ی عمل را با رسمیت دادن چهار شیوه و توضیح بیش‌تری پیدا کرد، و بوداسف با این چهار شیوه یا وسیله جانداران را به رهایی هدایت می‌کند. بخشندگی،

جامعه تأکید می‌کرد. عمل بخشندگی به بوداسف‌ها توانایی می‌بخشد که به غم‌خوارگی‌شان عمق ببخشند و از این راه نکوردها یا ثواب‌هایی کسب می‌کنند که ذاتی این عمل است.

اگرچه مه‌ایانه از شراوکه‌ها به این خاطر انتقاد می‌کند که این‌ها فقط به فکر روشن‌شدگی خودشان‌اند و به دیگرانی که پیرامون‌شان هستند توجهی ندارند، اما این منصفانه نیست. آرَهت‌ها با کامل کردن خود از راه چهار حقیقت جلیل و راه هشتگانه آماده‌اند که به دیگران تعلیم بدهند و آن‌ها را به روشن‌شدگی هدایت کنند. این مفهوم در معنی لغوی آرَهت، به معنی ارزنده و ارجمند، مستتر است.

چهارمین محل اختلاف درباره‌ی هستی‌شناسی، مطالعه‌ی متافیزیکی سرشت وجود و تهیت (شُونیتا) است. شاکیه‌مونی بحث هستی‌شناسی را ممنوع دانسته بود، که این در مکتب‌های فلسفی غیر بودایی زمان او رایج بود، با این استدلال که چنین نظریه‌پردازی هیچ کمکی به حل مشکلات بالفعل زندگی انسان نمی‌کند. او گفت چیزی را که باید مطالعه کرد وجود نیست بل که نموده‌ها یا پدیده‌هایی است که آن را در بر گرفته‌اند. تنها سؤال‌هایی که شایسته‌ی توجه‌اند شرایط چنین پدیده‌هاست، چه‌طور به آن‌ها پردازیم، و نگرش درست انسان به آن‌ها کدام است. این قانون همزایی مشروط (پَرَتِیتِه سَمُوتِپاده) است. همه‌ی نظریه‌های بنیادی آیین بودا، از جمله چهار حقیقت جلیل، راه هشتگانه و دوازده حلقه‌ی زنجیر همزایی مشروط برگرفته از این دیدگاه‌اند.

که اولین کمال از شش کمال و محور عمل غم‌خوارگی است، بنیاد هر یک از آن چهار شیوه است.

شش کمال — (شَد پارَمیتا) شش نوع عمل‌اند که هر بوداسفی به آن‌ها دل می‌سپارد که به روشن‌شدگی و بوداگی برسد. این‌ها کمال‌های بخشندگی؛ سلوک یا به جا آوردن و رعایت دستورها (شیلَه)؛ بردباری یا تحمل؛ ایستادگی یا جهد؛ دیانه یا مراقبه؛ پرگیا یا فراشناخت‌اند. شش کمال نه فقط همه‌ی اعمال راه هشتگانه را در بر می‌گیرد بل که دو عمل هم به آن اضافه می‌کند که بُعد اجتماعی دارند، یکی بخشندگی و دیگری بردباری. این اعمال مشخصه‌ی دلبستگی مه‌ایانه به عمل نوع‌دوستانه‌اند.

تناظر بین راه هشتگانه و شش کمال

شش کمال	راه هشتگانه
بخشندگی (دهش)	شناخت درست
سلوک / اخلاق	اندیشه‌ی درست
بردباری	گفتار درست
کوشش	کردار درست
دیانه / مراقبه	زیست درست
فراشناخت	کوشش درست
	آگاهی درست
	یکدلی درست

مه‌ایانه، خصوصاً با قرار دادن بخشندگی در صدر کمال‌ها، بر لزوم حمایت متقابل در میان اعضای

با گسترش مکتب‌ها در داخل آیین بودا، بیش از پیش به مسائل نظری گرایش پیدا کردند و کم‌تر به مسائل عمل توجه داشتند، و با شروع و رسالات فراوانی (ابی‌دَرمَه، آبی‌دَرمَه) به بحث در موضوعات هستی‌شناختی، خصوصاً در باب وجود، پرداختند. مهاییانی‌ها از این توجه به وجود انتقاد کرده آن را انحرافی از آیین بودای آغازین و اصیل می‌دانستند. آن‌ها در تلاش‌شان به این که جان تازه‌یی به آموزه‌های شاکیه‌مونی بدهند، بر حالت بالفعل وجود و بر کاری که باید در پرتو تهیت (شوئیتا) فراشناخت (پرگیا) کرد تأکید می‌کردند. آن‌ها در این کارشان نظریه آغازین همزایی مشروط را احیا کردند.

از آن چه گفته شد روشن می‌شود که مهاییانی‌ها بر عمل تأکید می‌کردند نه بر نظر — که این پنجمین محل اختلاف بود. مکتب‌های آبی‌دَرمَه خودشان را وقف مطالعاتی کرده بودند که بسیار تخصصی بود و به نظریه می‌پرداختند که این‌ها را فقط رهبان‌های دانشمند می‌فهمیدند که آموزش خاصی دیده بودند. مهاییانی‌ها این را تباهی و برگشت از عمل دینی می‌دیدند. اگرچه مهاییانی‌های قدیم درگیر بحث نظری بودند، اما در داخل حدود نظریه‌ی آغازین مانده بودند و فقط به آن مسائلی می‌پرداختند که لازمه‌ی روشنگری بنیاد عمل بود. گذشته از این‌ها، دل مشغولی مکاتب آبی‌دَرمَه به مطالعات فلسفی بیش از پیش پیچیده به بگو مگوهای بسیاری کشید، که حل و فصل آن‌ها مهم‌تر از عمل دینی شد. مهاییانی‌ها با تأکید بر ایمان و عمل کوشیدند چیزی را که آن‌ها آن را نفوذ آسیب‌رسان مدرسه‌گرایی و استدلال به خاطر استدلال می‌دانستند اصلاح کنند.

ششمین محل نزاع درباره‌ی نقش‌های «پیش‌نشین» و رهبان بود. «پیش‌نشین» آن بودایی مؤمن است که در شمار رهبانان نیست. او به زندگی دنیایی می‌پردازد. مطالعات پیچیده‌ی آکادمیک مکتب‌های آبی‌دَرمَه، که برای فهم عام مردم خیلی تخصصی بود، به طور کلی نقشی در پیشرفت ایمان و عمل دینی این مؤمنان نداشت. رهبان‌ها که در صومعه‌هاشان در دیرها در را به روی خودشان بسته بودند و خودشان را وقف مطالعات نظری و عقیدتی کرده بودند، نمی‌توانستند نقش‌شان را در مقام رهبران دین اجتماع مؤمنان «پیش‌نشین» انجام دهند.

در تلاش به چاره‌گری این نقص بود که مهاییانی‌ها طرح عمل شش کمال را ریختند که یک راه آسان‌فهم ایمان و عمل را فراهم آورند. هر کسی به خصوص می‌تواند به کمال بخشندگی، عمل کند، خواه او پیرو «پیش‌نشین» باشد یا رهبان، و این کمال غم‌خوارگی عمیق و عمل ناخودپرستانه را تعلیم می‌دهد. بخشندگی را عمل دور از خودپرستی و نامشروطی می‌دانستند که در آن هیچ دانستگی به دهنده یا گیرنده بودن و هیچ فکر پاداش یا اجر از عمل بخشندگی وجود ندارد. کمال بخشندگی که یافته شود، کمالات دیگر را می‌توان با همان دل‌کندگی برتری که ریشه در تهیت، یا شوئیتا دارد به جا آورد. وانگهی، مهاییانه تعلیم می‌داد که حقیقت فرجامین آیین بودا در اعمال روز به روز مؤمن «پیش‌نشین» است، طوری که خود زندگی روزمره جایگاه و صفه‌ی روشن‌شدگی (بودی منده) است، محل رسیدن به روشن‌شدگی بوداستف و یاری رساندن به دیگران که چنین کنند.

پرتینکه بودا بر نظریه‌ی دوازده حلقه‌ی زنجیر همزایی مشروط، و عمل بوداسف و بودا بر شش کمال. اما این ارتباط‌ها صرفاً قراردادهایی برای آسان‌تر شدن کارها است. مسلماً هیچ چهره‌ی را در تاریخ بودایی نمی‌توان پرتینکه بودا دانست، و هیچ وقت آموزه‌ی مستقلی خاص پرتینکه بوداها طرح نشده بود. همه‌ی آموزه‌هایی که این‌جا نقل شده نظریات پایه‌ی بودایی اند.

مفهوم پرتینکه بودا در گزارش سنتی روشن‌شدگی شاکیه‌مونی زیر درخت بودی تلویحاً آمده است. بودا که سرشت قانون همزایی مشروط را دریافت روشن‌شدگی، یا بیداری، رسید و بعد چند هفته را در مراقبه‌ی عمیق گذراند، و به مشاهده‌ی آن دریافت پرداخت. در آن زمان، که تصمیم گرفته بود آن را به دیگران یاد ندهد چون قانون همزایی مشروط را برای فهم مردم معمولی خیلی پیچیده می‌دانست، شاکیه‌مونی در حالتی بود که می‌شود او را به یک پرتینکه بودا شبیه دانست. اما آن وقت خدای بزرگ، برهما، ظاهر شد و از او خوااهش کرد درمه (آیین، حقیقت) را به بشریت در رنج بیاموزد و به آن‌ها یاری کند، و جهان را از درافتادن به پستی و بی‌ارزشی بیش‌تر باز دارد. برهما بودا را برمی‌انگیزد که آموزه‌اش را فراخور قابلیت شنوندگانش بیان کند تا شاید دست‌کم کسانی آن را بفهمند. شاکیه‌مونی بنا به خوااهش برهما بر آن شد که سعی کند آن را تعلیم دهد و از این‌جا بود که رسالت طولانی‌اش را آغاز کرد. در نظر مهاییان، او را دیگر نمی‌توان پرتینکه بودا خواند بل که او بودای روشنی‌یافته‌ی کامل، یا سمیک‌سم‌بوذه (سمّا سم‌بوذه) بود.

پرتینکه بودا pratyekabuddha — موقعی که هینه‌یانه به دو گردونه تقسیم می‌شود، یکی پرتینکه بودایانه، گردونه‌ی پرتینکه بوداها (پرتینکه‌بوذه)، یا بودایان تکرو و تنهایی‌گزیده است، که گردونه‌ی دوم است، و گردونه‌ی اول شراوکه‌یانه است. (سومین گردونه، بودی‌ستوه‌یانه یا «گردونه‌ی بوداسف» یا بودایانه [بوذه‌یانه، مهاییانه] است.) پرتینکه بودا، به خلاف شراوکه‌یانه، روشن‌شدگی را از راه شنیدن آموزه از دیگران یاد نمی‌گیرد، بل که آن را به صورت دریافت شخصی‌اش از نظریه‌ی همزایی مشروط، یا دوازده حلقه‌ی زنجیر علی، می‌یابد. پرتینکه بودا، به خلاف بوداسف یا بودا، دل‌نگران پدید آوردن رستگاری برای دیگران نیست؛ مقصد او روشن‌شدگی خود اوست، و او برای شتاب بخشیدن به آن از جهان می‌برد و در جنگل‌ها یا کوه‌ها زندگی می‌کند.

اگرچه مفهوم پرتینکه بودا پایه‌ی در حقیقت تاریخی ندارد، اما در همان آیین بودای بسیار کهن وجود داشته است و می‌توان ردّ آن را تا منابع پیشابودایی دنبال کرد. در ایسیگیلی سوئه، یکی از قدیمی‌ترین نوشته‌های بودایی، به پانصد پرتینکه بودا اشاره می‌شود که خیلی وقت پیش در کوه ایسیگیلی زندگی می‌کردند. آیین بودای آبی درمه این مفهوم را ارث برد و آن را در دسته‌ی پرتینکه بودا طرح کرد: آن‌هایی که در یک گروه عمل می‌کنند و آن‌هایی که به تنهایی عمل می‌کنند.

مهاییانه به هر یک از سه گردونه نظریه‌های پایه‌ی معینی را مرتبط می‌داند. می‌گفتند عمل شراوکه مبتنی بر چهار حقیقت جلیل و راه هشتگانه است، عمل

تحول و ترتیب تاریخی — آیین بودا را می‌توان بر اساس تحول تاریخی عقاید و نظریه‌های آن، که بیش‌تر آن‌ها در هند اتفاق افتاد، دسته‌بندی کرد. بنا به این روش، سه بخش گسترده و پهناور وجود دارند: آیین بودای آغازین، آیین بودای آبی‌درمه، و مهاییانه.

آیین بودای آغازین Primitive Buddhism — آیین بودای آغازین نامی است که به کهن‌ترین دوره‌ی آیین بودا داده‌اند، یعنی از زمان شاکیه‌مونی تا در حدود ۳۵۰ ق م، کمابیش صد سال بعد از مرگ او. در طی این فاصله هیچ نشانی از تقسیم‌بندی فرقه‌یی دیده نمی‌شود؛ یک گروه حامل آیین بودا به شکل اصلیش بود.

بعضی دانشمندان این دوره را دو قسمت می‌کنند، یکی آیین بودای نخستین (آیین بودای شاکیه‌مونی و شاگردان بلافصلش، که تا در حدود سی سال بعد از مرگ او امتداد پیدا می‌کند) و آیین بودای آغازین در محدودترین معنای آن (که دوره‌ی بعدی، تا شکاف فرقه‌یی در حدود ۳۵۰ ق م را می‌پوشاند). این تقسیم‌بندی به طور نظری درست است، چون منطقی است فرض کنیم که آیین بودای خود شاکیه‌مونی متفاوت از آیینی بود که شاگردان بلافصلش آن را تجربه و تعبیر می‌کردند، اما اسناد و مدارک موجود یک چنین تقسیمی را تأیید نمی‌کنند.

آگمه‌ها قدیمی‌ترین مجموعه‌های سوْتِره‌ها، یا گفتارهای بودا، هستند. این‌ها، همراه با مجموعه‌های مقررات و احکام رهبانی موسوم به وِیْنیه پیتکه، مستقلاً از سوی هر یک از مکتب‌های زائیده‌ی این تفرقه منتقل می‌شدند اگرچه سرچشمه‌ی آگمه‌ها و وِیْنیه پیتکه‌ها در زمان شاکیه‌مونی بود، اما آن‌ها تا بعد از رشد فرقه‌گرایی

شکل نهایی خود را پیدا نکردند. بعضی نظریه‌های فرقه‌یی به نوشته‌های موجود رنگ می‌دهند، در نتیجه نمی‌توان مستقیماً از این مصالح و مواد آموزه‌های موجود آیین بودای آغازین را درآورد. فقط می‌شود درباره‌ی این دوره از آیین بودای آغازین دست به تعمیم‌هایی زد، یعنی با مقایسه‌ی سوْتِره پیتکه‌ها (سوْتِره پیتکه) و وِیْنیه پیتکه‌های مکتب‌های گوناگون و یکی دانستن نکاتی که همه در آن متفقند.

آیین بودای آبی‌درمه — در حدود ۳۵۰ ق م انجمن بودایی (سنگه) با مناقشه‌ی سرِ تعبیر نظریه‌ها و مقررات و ضوابط رهبانی شکاف برداشت و تقسیم شد. یک گروه پیشرو، یعنی مهاسَنگیکه (انجمن بزرگی‌ها)، سنت‌گرایی صوری و خشکه مقدسی محافظه‌کارهای معروف به تیره‌واده (سن. استویره‌واده) را، یعنی «آن‌هایی که از آموزه‌ی پیران حمایت می‌کنند» را به چالش گرفتند.

تاریخ‌های بودایی پالی و شروح آن‌ها دو تعبیر از تفرقه و شکاف اولیه ارائه می‌دهند. تعبیر اول بر این است موقعی که پیشرفت عمل‌گرا در میان رهبان‌ها رعایت ده عمل مورد نزاع را در مقررات رهبانی پیشنهاد می‌کند، و قوانین سنتی را با مقتضیات زمان، رسوم محلی و جغرافیا سازگار می‌کند، رهبانان پیشکسوت شورای دوم را برگزار کردند. این اعمال را پیران گروه محافظه‌کار بدعت دانسته محکوم کردند، و این نزاع به شکاف میان مهاسَنگیکه‌ها و تیره‌وادین‌ها منجر شد. دومین تعبیر بر آن است که این شکاف در نتیجه‌ی نزاع سرِ پنج نظر یا نکته‌یی پیدا شد که آرَهت را کم‌ارج می‌دانست و رهبانی به نام مهادیوه

عقیدتی که از طبقه‌بندی و سازمان‌دهی وینیه و نظریات سوئترها پیدا شده بود. چون آبی درمه بعد از پیدایی مکتب‌ها پیدا شدند، کاملاً از این مکتب به آن مکتب با هم فرق داشتند.

با کامل شدن آبی درمه پیتکه‌ها، سه بخش کانون، یا تری پیتکه (سه سبد)، کامل شد. سوئتره پیتکه و وینیه پیتکه، که تاریخ‌شان به دوره‌ی آیین بودای آغازین می‌رسید، به طور کلی در مکتب‌های گوناگون مشابه‌اند، اما آبی درمه پیتکه‌ها، که مستقلاً کامل شده‌اند، اختلافات میان مکتب‌ها را به روشن‌ترین شکل توضیح می‌دهند. آبی درمه‌ها شکلی بسیار صوری و رسمی به خود گرفته و پیچیده‌اند طوری که یک شخص متوسط مشکل بتواند از آن‌ها چندان بهره‌ی ببرد.

همچنین هر مکتبی سنت خاص خود را درباره‌ی اسم آن هجده یا بیست مکتبی داشت که بعد از شکاف بین مهاسنگیکه-تیره‌واده ساخته شده بودند. از مکتب‌ها و سلسله‌ی آن‌ها بیش از ده فهرست در دست‌اند، مهم‌ترین‌شان فهرست آیین بودای پالی و فهرست سرواستی‌وادین‌ها (کسانی که به نظریه‌ی «همه هست» معتقدند) هستند، که این‌ها نافذترین همه‌ی مکتب‌های پیشامهایانه‌اند.

بعداً، مؤله سرواستی‌واده (سرواستی‌واده‌ی ریشه‌ی، یک گروه درست‌پندار که در قرن چهارم یا پنجم میلادی از جریان اصلی سرواستی‌وادین کنار کشید)، همه‌ی مکتب‌ها را در چهار گروه قرار داد: سرواستی‌واده، مهاسنگیکه، سمّتیّه، و استوره‌واده. این تقسیم مهم است، برای این که دورهبان و زائر چینی، شیوان زانگ

آن را آورده بود. با این پنج نکته پیران محافظه‌کار به مخالفت برخاستند اما خیلی از رهبان‌های جوان‌تر از آن‌ها حمایت کردند.

هر چه رخ داده باشد، گویای این است که اصطکاک بزرگی در انجمن بودایی سر تعبیر نظرها و احکامی، که در سوئتره پیتکه‌ها و وینیه پیتکه‌ها آمده، پیدا شده بود. همان‌طور که آیین بودا در نتیجه‌ی حمایت آشوکا (پاد. ۲۷۳-۲۳۲ ق.م)، امپراتور سلسله‌ی متوریه در سراسر هند و به ورای آن گسترش پیدا می‌کرد، ارتباط میان انجمن‌های محلی رو به زوال رفت، پیوندهای میان گروه‌ها سست شد، و یک روحیه‌ی خودمختاری رشد پیدا کرد. فاصله‌ی جغرافیایی با اختلافات عقیدتی پیوند خورد و باعث تحول در مکاتب شد. شکاف اولیه، که منجر به تأسیس مهاسنگیکه و تیره‌واده شد، همه‌ی مسائل را حل و فصل نکرد، و دو‌یست یا سیصد سال بعد آیین بودا به هجده (یا، بیست) مکتب تقسیم شد. فرقه‌گرایی بعد از این شکاف اول است که آن را آیین بودای آبی درمه اصطلاح کرده‌اند.

قابل فهم است که سوئتره پیتکه‌ها و وینیه پیتکه‌ها که از دوره‌ی کهن‌تر نقل می‌شدند موقعی که وارد کانون‌های این یا آن مکتب می‌شدند مورد بازبینی قرار گرفته باشند. علاوه بر این، هر مکتبی یک آبی درمه پیتکه پدید آورد، که مجملی از آرا و عقاید آن مکتب است، که در کانون آن مکتب گنجانده شده بود. غرض از آبی درمه‌ها (در لغت، «آن‌چه درباره‌ی درمه است») توضیح و تعریف مصطلحات و مفاهیمی بود که در آگمه‌ها (درمه یا آموزه‌ی بودا) آمده بودند و ضبط نتایج مطالعات فلسفی و

(ح ۶۰۰-۶۶۴) و یی جینگ (۶۳۴-۷۱۳)، بعد از بازگشت‌شان به چین از این تقسیم‌بندی برای روشن کردن آیین بودای هندی معاصرشان استفاده کردند، موقعی که شیوان زانگ و یی جینگ به هند سفر کردند، فقط مکتب‌های بخش شمالی غربی هند (ناحیه‌یی که حالا پاکستان است) از این تقسیم چهارگانه پیروی نمی‌کرد. آن‌ها یک دسته‌بندی پنج‌گانه را برای مکتب‌هایی که در آن ناحیه فعال بودند ترجیح می‌دادند: سَرواستی‌واده، مَهی‌شاسکَه، دَرَمَه‌گُوپَتکَه، کاشِپیَه، و لوکوتَرَه‌واده.

بنا بر توالی تاریخی که این‌جا در نظر گرفته شده، مکتب‌های آبی دَرَمَه به تنهایی فقط در حدود سیصد سال را اشغال می‌کنند، دوره‌یی که به دنبال آیین بودای آغازین و پیش از پیدایی مَهایانه می‌آید. اما بعد از شروع عصر مسیحی، مکتب‌های آبی دَرَمَه در کنار آیین بودای مَهایانه در بخش‌های گوناگون هند همزیست بودند و نفوذ خود را داشتند. بنا به شرح شیوان زانگ، که در ۶۲۹ از چین راهی هند شد و در ۶۴۵ به چین برگشت، شمار پیروان هینه‌یانه از شمار پیروان مَهایانه بیش‌تر بود، و مبنای قضاوت او تعداد معابد و رَهبان‌های وابسته به هر یک است.

آیین بودای مَهایانه — مَهایانه یک جنبش اصلاحی بود که در حدود قرن اول ق م، در واکنش به آیین بودای قالب‌ریزی‌شده‌ی رسمی و آکادمیکِ مکتب‌های آبی دَرَمَه پیدا شد. مَهایانه که می‌خواست روح دینی آغازین آیین بودا را به آن برگرداند، آیین بودای آبی دَرَمَه را نفی کرد، یا انگ گردونه‌ی پست‌تر (هینه‌یانه) یا انگ گردونه‌ی شنوندگان (شَراوکه‌یانه) به آن زد. کتاب‌های

مقدس نو، منسوب به بودا، نوشته شدند. این‌ها را نویسندگان گمنامی می‌نوشتند که معتقد بودند اگر شاکیه‌مونی آیین را در عصر آن‌ها تعلیم می‌داد، آن را با محتوای سوتَره‌های مَهایانه موعظه می‌کرد. نویسندگان این سوتَره‌ها نمی‌خواستند به شکل حساب‌شده کتاب‌های مقدس تولید کنند، آن‌ها معتقد بودند که حامل آموزه‌ی حقیقی بودا هستند و سوتَره‌های آن‌ها بیش‌تر از سوتَره‌های مکتب‌های آبی دَرَمَه بازتاب روح شاکیه‌مونی است.

مکتب‌های آبی دَرَمَه ظاهراً مدعی بودند که سوتَره‌های نو مَهایانه آموزه‌های شیاطین بودند، نه آموزه‌های بودا. این اظهار نظر در ژاپن در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم جان دوباره گرفت، موقعی که اولین بار روش‌های پژوهشی تاریخی در بوداشناسی به کار برده شد. در نتیجه، بعضی دانشمندان باور داشتند که مَهایانه آموزه‌ی بی‌واسطه‌ی بودای تاریخی نبود. اما اگر آموزه‌ی بودا دقیقاً به کلمات عملاً گفته‌ی شاکیه‌مونی تعریف شود، آن‌وقت حتا آموزه‌هایی هم که در آگَمَه‌ها آمده اصیل نیستند: آگَمَه‌ها تا چند صد سال بعد از مرگ بودا هنوز به شکل کنونی‌شان در نیامده بودند، و در سیر انتقال سینه به سینه‌ی آن‌ها، دانسته و ندانسته، تغییراتی در آن‌ها داده می‌شد. دانشمندان جدید متفقند که هر آموزه‌یی که آیین را امانت‌دارانه روشنگری کرده روح آن را منتقل می‌کند می‌توان آن را آموزه‌ی بودا دانست. از این دیدگاه، کتاب‌های مقدس مَهایانه را باید به صورت بخشی از آموزه‌ی بودا پذیرفت.

مَهایانه، که به طرز روزافزونی از سوی هواخواهان پیشین مکتب‌های آبی دَرَمَه حمایت می‌شد به زودی

مَهایانه‌ی آغازین — مَهایانه‌ی آغازین دوره‌یی از حدود قرن اول میلادی تا در حدود آخر قرن سوم را در بر می‌گیرد و مَهایانه به خالص‌ترین شکل آن است، که به روشنی بسیار روح حقیقی شاکیه‌مونی را در علاقه‌اش به ایمان و عمل نشان می‌دهد.

سوْتَره‌های اصلی مَهایانه‌ی آغازین تحول جریان نوآندیشه را درباره‌ی سرشت بودا، عمل بوداسف، و مفهوم تهیت (شوْنِیتا) به عنوان ذات همه چیز باز می‌تابند. شاید قدیمی‌ترین این متن‌ها سوره‌های کمال فراشناخت (پرگیاپاز میتا سوْتَره) باشند، گروهی از آثار به هم مرتبطی که اندازه‌های متفاوتی دارند. گمان می‌کنند که پیش‌نمونه‌ی این گروه سوره‌ی کمال فراشناخت در هشت هزار شعر (آشته‌ساهریکا پرگیاپاز میتا) باشد. نسخه‌های بسط‌یافته‌ی این سوره، که اساساً حاوی همان متن است اما با مقادیر متفاوتی از تکرار، بی‌شمارند. مهم‌ترین این سوره‌ها سوره‌ی کمال فراشناخت در بیست و پنج هزار شعر (پَنجه ویمسْتی ساهریکا پرگیاپاز میتا) و سوره‌ی کمال فراشناخت در صد هزار شعر (سْتَه ساهریکا پرگیاپاز میتا سوْتَره) است. خلاصه‌های کوتاه‌تر متن بنیادی هم تألیف شده بود که فقط ذات آموزه را منتقل کنند. دو سوره‌ی معروف از این نوع سوره‌ی الماس و سوره‌ی دل‌اند. یک سوره‌ی کمال فراشناخت این دوره سوره‌ی پیشرفت به سوی حقیقت (آدیرده شتیکا پرگیاپاز میتا سوْتَره) است.

علاوه بر سوره‌های کمال فراشناخت، یکی از مهم‌ترین سوره‌های مَهایانه ویمله‌کیرتی سوْتَره است

در بخش‌های گوناگون هند گسترش پیدا کرد. این رشد سریع، مکتب‌های آبی‌درَمه را برانگیخت که دوباره به موضع خودشان نگاه کنند و اصلاحاتی را شروع کنند. اگرچه ابتدا بین این دو گروه کشمکش‌هایی پیدا شده بود، اما به تدریج به سوی همکاری بزرگ‌تری پیش رفتند که این به طور کلی یک عصر رونق آیین بودایی را نوید می‌داد. عصر طلایی آیین بودا، از نظر نفوذ و تعداد هواخواهان آن، از قرن سوم قم تا قرن پنجم میلادی دوام داشت. در طی این دوره آیین بودا به آسانی توانست خود را در مقابل مکتب‌های فلسفی برهمنی پرنفوذ نو نگه دارد. با این‌همه، اغراق است اگر آن را، مثل بعضی دانشمندهای غربی، عصر هند بودایی بدانیم. هر چند آیین بودا شکوفایی بسیار داشت، اما فقط یک روبنای معنوی برای مردم فراهم می‌آورد. نه توانست زیربنای جامعه‌ی هندو را تغییر دهد، و نه سعی کرد که چنین کاری بکند. این ناتوانی آیین بودا در تأثیر گذاشتن در جامعه به مثابه‌ی یک کل دلیل اصلی ریشه‌ی عمیق نزدن آن در هند است.

بعد از قرن چهارم یا پنجم، آیین برهمنی درست‌پندار جان دوباره گرفت، و این در فرایند جذب باورهای عامیانه‌ی هندی و سازگار کردن آن با بعضی نظریه‌ها و دستورهای آیین بودا بود. اما حتا موقعی که معنویت عمیق آیین بودا داشت هندوئیسم را تحت تأثیر قرار می‌داد، خود آیین بودا داشت مدرسی‌تر می‌شد و بیش از پیش از عمل دینی دور می‌شد. این گرایش بعد از قرن هفتم یا هشتم برجستگی بیش‌تری پیدا کرد به خاطر تهاجم‌های از سوی ... هند شمال غربی. تا اوایل قرن سیزدهم آیین بودا تقریباً از شبه‌قاره‌ی هند برچیده بود.

که یادآور می‌شود مؤننان «پیش‌نشین» یا غیر رهبان می‌توانند مثل سالکان آرزوی روشن‌شدگی در دل داشته باشند. متن‌های دیگر مهم این‌ها هستند: سوره حلقه گل (اَوْتَمَسْکَه سوْتَره) — که نسخه‌ی موجود چینی آن چهل و شصت و هشتاد مجلد است — با آموزه‌های مقامات عمل بوداسف و به هم سرشتگی همه‌ی نمودها (جی جی مَوَگه)؛ سوره‌ی نیلوفر، که کشمکش هینه‌یانه-مهایانه را در آموزه‌ی یک گردونه و یک درِ مَهِ‌ی حقیقی بودایی منعکس می‌کند و سرشتِ تَنّاگَه، چنین آمده یا روشنی‌یافته‌ی کامل، را روشننگری می‌کند؛ و سوره‌ی زندگی بی‌پایان (سَوْکاوْتی وِیوَهه سوْتَره)، که ایمان پاک به آمیتابه (آمیتایوس) بودا، بودای پاکبوم را تعلیم می‌دهد.

شارحان بزرگ این دوره این‌ها بودند: ناگار جَوْنَه (۱۵۰ — ۲۵۰)، بنیادگذار شناخته‌شده‌ی مکتبِ مَدِیمَکه (راه میانه‌ی مَهایانه، و آریه‌دیوَه (هم‌چنین معروف به کانه‌دیوَه)، شاگرد ناگار جَوْنَه. کتاب‌های منسوب به ناگار جَوْنَه شامل رساله در بیان میانه (مَدِیمِکه شاستره یا مَوْله مَدِیمَکه کاریکا)، رساله در بیان تعالی مناظره (ویگرَهه ویاوَرْتنی)، و رساله در بیان سوره‌ی کمال فراشناخت بزرگ (مَهاپَرِگیاپازِ میتا شاستره) و شرحی بر [دو بوم اول از] ده بوم (دَشَه‌بومِیکه‌ویاَشَه شاستره). کارهای اصلی آریه‌دیوَه این‌ها هستند: رساله در یک صد شعر (سَتَه شاستره) و رساله در چهار صد شعر (چَتوَه‌سَتَکه).

مَهایانه‌ی میانه — مَهایانه‌ی میانه از حدود ۳۰۰ تا میانه‌ی قرن هفتم میلادی دوام داشت، هم‌زمان بود

با دوره‌ی از فعالیت فکری بزرگ در مکتب‌های غیر بودایی، خصوصاً شش مکتب درست‌اندیش فلسفه‌ی هندو (شُددرشنه: پوَرَوَه میمانسا، وِیدانتَه، سانکیه، یوگا، نیایه و وِیشِشِیکَه). آیین بودا در رقابت با آن‌ها مجبور شد یک بنیاد فلسفی و منطقی پی‌ریزی کند، و به این نحو تغییر جهتی به طرف مناظره‌ی فلسفی در هر دو مکتب هینه‌یانه و مَهایانه ظاهر شد. در نتیجه، سوْتَره‌ها و رسالات این دوره بیش‌تر به صورت رسالات فلسفی خوانده می‌شوند تا به شکل اسنادی که به ایمان دلالت می‌کنند. اگرچه این دوره از نظر معنوی برای آیین بودا یک دوره‌ی انحطاط بود، اما مَهایانه به عنوان یک فلسفه بعضی از برجسته‌ترین اندیشه‌ی تمام زمان را نشان داد، خواه در داخل آیین بودا خواه به طور کلی در داخل فلسفه‌ی هندی. در واقع مکتب‌های غیر بودایی خیلی از نظرهای فلسفی را از آیین بودا پذیرفتند.

مَهایانه حالا دل یا آرزوی روشن‌شدگی (بودی‌چِتّه)، و سرشت بودا (بوذاگوْتَره) یا تَنّاگَه گَرَبَه (زهدان چنین آمده) را — که فطرت یا قوه‌ی یافتن بوداگی ذاتی در همه‌ی جانداران است — به عنوان سرچشمه‌ی این آرزو و اشتیاق تأکید می‌کرد. مَهایانه همچنین مفهوم سنتی هینه‌یانه، یعنی نه‌خودِ جانداران را بسط داد، به این معنی که نه‌خودِ جانداران و نه‌خودِ دَرَمَه‌ها (دَرَمَه‌نِیراتْمیا) را مسلم پنداشت. همان‌طور که علاقه به سرشت دانستگی یا دل عمق پیدا می‌کرد، مَهایانی‌ها نظریه‌ی مراحل نهفته‌ی دانستگی، دانستگی مَنَس و دانستگی آلیّه، یا دانستگی انبار، را به نظریه‌ی سنتی شش دانستگی (ویگیانه) اضافه کردند. بالاخره، پژوهش